

مجموعه سخنرانی‌های هدفمند اسلامی (۲)

توحید محور زندگی

اثری از:

دکتر عمر سلیمان اشقر

صلى الله عليه وسلم

فهرست موضوعات

- ۱.....پیشگفتار
- ۳.....توحید محور زندگی
- ۳.....جرقه‌ی امید
- ۹.....شما وارث پیامبران هستید
- ۹.....مسئولیت شما چیست؟
- ۱۳.....شناخت خدا منشأ پرورش نفس
- ۲۳.....ایمان به خدا وسیله‌ی کشف اسرار و تعیین جهت
- ۲۵.....«خداوند» محور همه فعالیتها
- ۳۱.....توحید محور و مدار قرآن است
- ۳۱.....کسی که خدا را ندارد هیچ چیزی ندارد
- ۳۵.....توحید نخستین مسئولیت دعوتگران است
- ۳۵.....شرک هنوز هم ماندگار است
- ۳۵.....شرکی که امروز بسیار رایج است
- ۳۹.....نشانه های یکتاپرستی

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على المبعوث رحمة للعالمين، و على آله و صحبه الطيبين الطاهرين، و على من اهتدى بهدى هم، و اتبع سبيلهم الى يوم الدين.

اگر هدف و انگیزه‌ی بعثت آخرین پیام آسمانی را به دقت مورد بحث و تحقیق قرار دهیم، یقین می‌یابیم که محور آن توحید و یکتاپرستی است، بلکه می‌فهمیم که توحید و یکتاپرستی محور تمامی پیامهای آسمانی و همچنین محور حقیقی زندگی انسان می‌باشد؛ پس ارزش حقیقی انسان وقتی متجلی و نمایان می‌گردد که پروردگارش را به عنوان محور زندگی خود قرار داده باشد:

﴿ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾ الأنعام: ۱۶۲

(بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است)

و لذا حرکت انسان با حرکت جهان هستی هماهنگ می‌شود، زیرا جهان فرمانبردار فرامین الهی، در اختیار قدرت او و مشغول تمجید و ستایش وی است؛ پس هرگاه بنده در برابر پروردگارش قد علم کرده و به انحراف و کژی روی آورد، به نغمه و آهنگی ناهمخوان با این جهان پهناور و شگفت‌انگیزی که دنباله‌رو فرامین خدای یکتا است، تبدیل می‌گردد.

این نوشتار ابتدا در تاریخ ۱۸ تا ۲۰ دسامبر ۱۹۸۰ به مناسبت سالگرد بیست و سه ساله‌ی انجمن دانشجویان مسلمان در آمریکا و ایرلند به عنوان سخنرانی ارائه شد؛ و به توضیح و تبیین قضیه‌ی (توحید خداوند تبارک و تعالی) پرداخته که مدار زندگی فرد مسلمان و جامعه‌ی مسلمان است.

لازم است که دعوتگران، نویسندگان و مدرسین با استفاده از وسائل و روشهای گوناگونی به توضیح و روشن سازی این مسأله بپردازند، زیرا فهم و یادگیری این

قضیه بر هر فردی از جامعه‌ی بشری واجب و ضروری است، در غیر این صورت موجب خسارت‌مندی دنیا و آخرت می‌شود.

از درگاه ایزد منان خواهانیم که بر ما منت گذاشته و دینی مخلصانه و عمل به فرامینش را به ما عطا فرماید، زیرا او بهترین فرمانروا و یاری رسان است.

توحید محور زندگی

إن الحمد لله نحمده، و نستعينه، و نستغفره، و نستهدى به، و نعوذ بالله من شرور أنفسنا، و من سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له، و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^١
﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ ۖ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^٢
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾^٣ ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾^٣ ﴿٧١﴾

أما بعد: فإن اصدق الحديث كلام الله، و خير الهدى هدى محمد ﷺ، و شر الامور محدثاتها، و كل محدثة بدعة، و كل بدعة ضلالة، و كل ضلالة في النار.

جرقه‌ی امید

برادران و خواهران گرامی! چنانکه مستحضر هستید ظلم و ستم، جهان را در بر گرفته و در راه نابودی آن قدم برداشته است، بدانید که تنها جرقه‌ای که برای رفع و از بین بردن آن، بدان دل بسته می‌شود شما جوانان مشرق و مغرب زمین هستید که به خداوند ایمان آورده و در راه آن تلاش ورزیده‌اید.

١- آل عمران: ١٠٢

٢- النساء: ١

٣- الأحزاب: ٧٠ - ٧١

امروزه جامعه‌ی بشری از لحاظ علوم تجربی به قله‌ی رفیعی دست یافته است؛ با توجه به اینکه در هوا به پرواز افتاده و به اعماق زمین فرو رفته و اسرار فراوانی را کشف نموده، اما از لحاظ علوم انسانی، اسرار زندگی و راه رسیدن به خدا در جهالت و نادانی عمیقی بسر می‌برد؛ از این رو ممکن است آن علوم تجربی‌ای که کسب نموده به بلای خانمانسوزی تبدیل گشته و بشریت را به نابودی بکشاند.

هنوز انسان خود را نشناخته و راه سعادت و خوشبختی را یاد نگرفته، مردم از وحی الهی دور گشته و در پی سعادت و آرامش هستند، اما راه رسیدن بدان را نمی‌دانند، ایشان مانند کسی هستند که در بیابانی گسترده و بی راه و نشان به راه افتاده است، آنها خود کورکورانه و بدون راهنما به راه افتاده‌اند، پس چگونه به راهی دست می‌یابند که آنها را به هدف مورد نظر برساند.

خداوند ﷻ برای راهنمای بشریت و شناسایی راههای رسیدن به ساحل امنیت و صراط مستقیم پیامبرانی را ارسال فرمودند، اما متأسفانه امروزه بشریت تعالیم و آموزه‌های انبیا را فرو نهاده و از دنبال کردن راه و منش آفریننده و اله خود تکبر ورزیده است، سرانجام با آن تیره‌روزی و بلایی دچار شده که مردم در درون خود آنرا احساس می‌کنند و بر خطوط گونه‌هایشان تأثیر گذاشته است. به خدا سوگند آثار این تیره‌روزی را در صورت قوم و ملت این سرزمینی^۱ که از آئین و برنامه‌ی الهی روی گردان شده به وضوح درک می‌کنم. و این، حال و وضع هر ملتی است که از منهج خداوند پشت کرده و به قوانین بشری روی آورده است، اما جز کسانی که از جاهلیت آنها بیرون آمده هیچ کسی از این تیره‌روزی و بدبختی آگاهی ندارد.

لازم به یادآوری است که محمد اسد^۲ نیز بعد از اسلام آوردنش همانند بنده به این تیره‌روزی جامعه‌ی بشری پی بردند و از آن پرده برداشتند، آنگاه که کتابی تحت عنوان «الطریق الی مکة» را به نگارش درآوردند و در چاپ بعدی عنوان کتاب را به «الطریق الی الاسلام» تغییر دادند.

۱- انگلستان

۲- محمد اسد قبل از اسلام لیبولد فایس نام داشتند، ایشان یهودی تبار و از قبیله‌ی غمسا بودند.

بیماری‌های درونی و روانی، نشانی از عصر امروز است، دانشمندان روانشناسی و جامعه‌شناسی از یافتن راه‌حلی جهت نجات مردم از این‌گونه بیماریها نومید گشته‌اند و راهی نمی‌یابند، بلکه روانشناسان و جامعه‌شناسان بسیاری هستند که خود نیز از دست این بیماری می‌نالند، پس چگونه می‌توانند مردم را از دردی نجات بخشند که خود بدان مبتلا هستند!!

بعد از اینکه با یکی از جامعه‌شناسان مدرسه‌ای ارتباط و علاقه پیدا کردم از مشکلات و ناراحتیهایی برایم تعریف کرد که درون او را دربر گرفته و بر قلبش چیره شده بود، ایشان یادآور شدند که روز روشن را تیره و ناهموار می‌بیند و شب را به بیداری سپری می‌کند، و برای رهایی از این بیماری جز استفاده از افسون و طلسمهای مادر بزرگم هیچ راه‌حل دیگری را نمی‌بینم که آن را زیر بالش می‌گذارم و بعد می‌خوابم.

شما را به خدا سوگند می‌دهم به من بگوئید کسی که خود چنین حالی دارد چگونه می‌تواند مشکلات دیگران را بگشاید؛ و اگر ارتباطی نیکو را با خدا برقرار می‌کرد و ساعتی را با ذکر خدا سپری می‌نمود قلبی سرشار از اطمینان و روانی آرام را به دست می‌آورد.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱

(آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان! دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند)

لازم به ذکر است که تنها کشورهای عقب افتاده و تهی دست دچار غم و ناراحتی و مشکلات درونی نیستند، بلکه این کشورهای مدعی پیشرفت و تمدن هستند که از دست مشکلات روانی می‌نالند. مردم این دیار از زندگی لذت نمی‌برند و زندگی را سبک و بی‌ارزش می‌انگارند و خود را فرومایه تلقی می‌کنند، از این رو دختر و پسرهای منحرفی در این‌گونه جوامع به وجود می‌آیند، چنانکه مظاهر آن را در افرادی بزدل و فرومایه مشاهده می‌کنیم، کسانی که به خاطر فرار از واقعیت و

مشکلات عدیده‌ای که پیرامون او را در بر گرفته به مواد مخدری روی آورده‌اند که عقلشان را می‌گیرد و توان و نیرویشان را تهدید به نابودی می‌نماید؛ واقعیت این است که برخی اوقات مشکلات و سختیهای دامنگیر، این افراد را به درجه‌ای می‌رساند که می‌خواهند بر قله‌ی رفیعی بروند و خود را به قتل برسانند. برآستی که خبر دیروز مرا آشفته و پریشان کرد، آن خبری که راجع به تظاهرات پریاهویی خواندم که صدها هزار نفر در آن شرکت داشتند، لازم است بدانید که تظاهرات به خاطر اشغال افغانستان نبوده است که مردم آن دیار با مصایب و بلاهای گوناگونی مواجه هستند، و به خاطر مرگ و میر صدها هزار شهروند هندی نیست که از گرسنگی جان می‌سپارند، و به خاطر پایمالی حقوق انسان در بسیاری از نقاط جهان هم نبوده است، بلکه به خاطر خودکشی یک آواز خوان بوده که از زندگی بیزار شده و خود را به قتل رسانده، و پاره‌ای از آنها پریشانی خود را تنها با تظاهرات نمایان نکردند، بلکه دو نفر از آنها نیز به خاطر وی خود را به قتل رساندند!!! این چه ارزشی است؟ و این چه ارمغانی است؟ این یک زندگی بی‌ارزشی است که افراد فرومایه را بزرگ می‌پندارد، و زندگی را با غم و غصه پیرامون این بی‌مایه‌ها می‌گذرانند، این کجا و آن مسلمانی کجا که تنها به فرمان خدا حرکت می‌کند و از نافرمانی وی پرهیز می‌نماید، آن مسلمانی که مرگ و زندگیش را وقف پروردگار خویش گردانیده است!!

﴿ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ،
وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ ﴾^۱

(بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است؛ خدا را هیچ شریکی نیست، و به همین دستور داده شده‌ام، و من اولین مسلمان (در میان امت خود، و مخلص‌ترین فرد در میان همه انسانها برای خدا) هستم.)

لازم است بدانیم که این تظاهر کنندگانی که دست به خود کشی زده‌اند متعلق به سرزمینی عقب افتاده نبودند، بلکه فرزندان کشور متمدنی همچون آمریکا می‌باشند؛ این قضیه مرا به یاد حادثه‌ی پس از مرگ آواز خوان معروف مصری (عبدالحلیم حافظ) می‌اندازد که بدنبال مرگ وی چهار نفر خود را به قتل می‌رسانند.

دوستان! به زندگی مردم این دیار نگاه کنید!!! آیا امنیت و آرامشی را برای آن احساس می‌کنید؟ هرگز، هرگز؛ کسی که کانالهای تلویزیونی را دنبال کرده و روزنامه را مطالعه نماید و به اخبار گوش فرا دهد، می‌تواند درجه و حد نهایی این جریمه را درک کند که باعث آشفتگی مردم شده و ترس و هراس را در درون آنها ایجاد نموده است، هر روز خون کسی ریخته می‌شود تا از زندگی سخت و پرهیاهوی مردم پرده بردارد.

شما وارث پیامبران هستید

برادران! شما امید امروز بشریت هستید همچنان که گذشتگان امید عصر خود بوده‌اند، شما پیروان کاروانی نیستید که امتداد آن هزار و چهارصد سال باشد، بلکه امتداد قافله‌ای هستید که تاریخ آن به دورانه‌های بسیار بعیدی بازمی‌گردد، شما پیروان پیامبران معزز و انبیای الهی هستید، پیامبرانی که در طول تاریخ بشریت حامل مشعل هدایت بوده‌اند، شما همان پرچمی را بر فراشته اید که آنها برداشته بودند، شما نیز با همان باور و عقیده‌ای که آنها داشتند مسیری را می‌پیمایید که آنها می‌پیمودند، دوستان مسیری واحد ما را گرد هم می‌آورد که محور آن خداوندگار است، پس به سوی او حرکت می‌کنیم و از هدایت وی راهنمایی می‌جوییم.

مسئولیت شما چیست؟

ما که به خدا ایمان داریم و از قانون اسلام پیروی می‌کنیم و محمد را به عنوان پیامبر تأیید نموده‌ایم، در واقع نقش پیامبران و پیروان آنها در طول تاریخ بشریت را ایفا می‌کنیم، زیرا ما می‌خواهیم بشریت را از پراکندگی و گمراهی به سوی پروردگاری یگانه بازگردانیم، تا او را به عنوان خالق و معبود خود برگزینند و از دین و آیین وی پیروی نمایند و پیامبرش را به عنوان هدایتگری مژده دهنده و بیم دهنده بپذیرند؛ مسئولیتی که ما امروز آنرا برداشته‌ایم همان مسئولیتی است که افرادی ویژه از میان سلف صالح آنرا برداشته‌اند، و اگر ما آن را برداریم در واقع مسئولیتی را بر دوش کشیده‌ایم که آسمانها و زمین از حمل آن سرباززدند، و فرزندان آدم آن را برداشت، اما متأسفانه بسیاری از آنها کوتاهی ورزیدند و از حمل آن سربرتافتند:

﴿ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴾^۱

(ما امانت (اختیار و اراده) را بر آسمانها و زمین و کوهها (و همه جهان خلقت) عرضه داشتیم (و انجام وظیفه اختیاری همراه با مسؤولیت، و انجام وظیفه اجباری بدون مسؤولیت را بدیشان پیشنهاد کردیم. جملگی آنها اجبار را بر اختیار برتری دادند) و از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند، و حال این که انسان (این اعجوبه جهان) زیر بار آن رفت (و دارای موقعیت بسیار ممتازی شد. اما برخی از) آنان (پی به ارزش وجودی خود نمی‌برند و قدر این مقام رفیع را نمی‌دانند و) واقعاً ستمگر و نادانند).

این امانت گرانبهایی که افرادی منتخب آن را برداشتند، خداوند همه‌ی پیامبرانش را جهت تبلیغ این پیام و برپا کردن آن در واقع بشریت ارسال نمودند:

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴾^۲

(ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر این که به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید).

﴿ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ﴾^۳

(ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستاده‌ایم (و محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است) که خدا را بپرستید و از طاغوت (شیطان، بتان، ستمگران، و غیره) دوری کنید).

لازم به یادآوری است که خداوند در گفتگویی با موسی این هدف را در چند کلمه‌ای خلاصه نمود، آنگاه که موسی از مدین بازگشت و در صحرای سینا راه را گم کرد و به طرف نوری رهسپار شد که از دور آن را مشاهده نمود، و هنگامی که به آنجا رسید خداوند او را این گونه فراخواند:

۱- الأحزاب: ۷۲

۲- الأنبياء: ۲۵

۳- النحل: ۳۶

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي﴾^۱

(من «الله» هستم، و معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کن).
آری این بود فرمان خدا به موسی، و به همین خاطر او و سایر مخلوقات را آفریده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^{۵۶} مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ

يُطْعَمُونَ ﴿۵۷﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۵۸﴾^۲

(من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام. من از آنان نه درخواست هیچ گونه رزق و روزی می‌کنم، و نه می‌خواهم که مرا خوراک دهند. تنها خدا روزی‌رسان و صاحب قدرت و نیرومند است و بس).

شناخت خدا، آگاهی از وی و روی آوردن به او نقطه‌ی شروع حرکت صحیح انسان است، و انحراف از خدا و عدم آگاهی به وی نقطه‌ی گمراهی و خسارتمندی در زندگی انسان می‌باشد؛ ایمان به خدا زیربنایی مورد نیاز است که ساختمانی سترگ روی آن بنیان می‌شود، و اگر قرار باشد زیربنایی غیر از ایمان به خدا را برای آن در نظر گیرند ساختمانی معیوب و ضعیف ساخته میشود که هر آن ممکن است سازنده را به قتل رسانده و یا ساکنان آن را به هلاکت بیاورد.

۱- طه: ۱۴

۲- الذاریات: ۵۶ - ۵۸

شناخت خدا منشا پرورش نفس

شناخت خدا، نفس انسانی را از زنگار گناه و انحراف از آئینهای انسان ساز آسمانی می پیراید، بنابر این علم، اصل و اساس هر عمل و تلاشی است، و باید دانست که فعالیتهای روزانه ارتباط عمیقی با اندیشه ها و اعتقادات انسان دارد و از قدیم گفته اند: انسان اسیر افکار خود است.

از همین لحاظ است که قرآن به ما دستور می دهد پروردگاران را بشناسیم و از اسماء و صفات او اطلاع پیدا نماییم، خداوند خطاب به پیامبرش می فرماید:

﴿ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَسْتَغْفِرُ لَذُنُوبِكُمْ ﴾ محمد: ۱۹

(بدان که قطعاً هیچ معبودی جز الله وجود ندارد. برای گناهان خود و مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه).

لازم است هر انسانی بدانند که هیچ معبودی جز «الله» وجود ندارد، و «الله» ذاتی است دارای صفات سمیع، علیم، غفور، رحیم، عزیز، حکیم، غنی، حمید و سایر صفات والا، خداوند می فرماید: ﴿ وَقَلِّتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ

عَلِيمٌ ﴿۲۴۴﴾ البقرة: ۲۴۴

(و در راه خدا بجنگید و بدانید که خداوند شنوا و دانا است).

و می فرماید: ﴿ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ المائدة: ۹۸
(بدانید که خداوند دارای مجازات شدید است، و در عین حال بس آمرزنده و مهربان است).

و می فرماید: ﴿ وَأَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴾ البقرة: ۲۶۰
(و بدان که خداوند چیره و باحکمت است).

و می فرماید: ﴿ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴾ البقرة: ۲۶۷
(و بدانید که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است).

خداوند متعال در بزرگترین سوره و آیات قرآن راجع به صفات و افعال خود بحث رانده است.

در حدیث آمده که پیامبر فرمود: سوره‌ی اخلاص معادل یک سوم قرآن است، و آیه‌ی الکرسی بزرگترین آیه‌ی قرآن می‌باشد، و لازم به یادآوری است که این آیه و سوره مزبور راجع به خداوند و صفاتش بحث می‌رانند:

﴿ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝۳ ﴾

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝۴ ﴿ الإخلاص: ۱ - ۴

(بگو: خدا، یگانه یکتا است. خدا، سرورِ والای برآورنده امیدها و برطرف کننده نیازمندیها است. نزاده است و زاده نشده است. و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد).

این سوره، وحدانیت را برای ذات اقدس الهی اثبات می‌گرداند، که هیچ شبیه، نظیر و شریکی ندارد و از زن و فرزند مبری است. و آیه‌ی الکرسی هم این آیه است که می‌فرماید:

﴿ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ۝۲۵۵ ﴾ البقرة: ۲۵۵

(خدائی بجز الله وجود ندارد و او زنده پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آن که در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مکانها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود

دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است). فرماندهی و فرمانروایی او آسمانها و زمین را دربر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است).

این آیه از خداوندگار بحث رانده، که او تنها معبود زنده‌ای است که خالی از هر گونه نقص و عیبی است، و تنها نگهدار و گرداننده‌ی مستقلی است که به سایر موجودات استقامت و پایداری بخشیده، و به همین لحاظ ﴿لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾^ع سنه (چرت) مرحله‌ی قبل از خواب است؛ و او تنها پادشاه حقی است که مالک آسمانها و زمین می‌باشد و همه‌ی مخلوقات تحت قدرت و زیر نظر او است، و جز با اجازه‌ی وی هیچ کس نمی‌تواند در پیشگاهش به میانجیگری بپردازد، و از گذشته و حال و آینده‌ی بندگانش اطلاع دارد و بشر نمی‌تواند بیشتر از آنچه که خدا اجازه داده به علم و دانش دست یابد:

﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾^ط

و به این آیه‌های ربانی توجه کنید که از پروردگار بحث می‌راند و وی را به ما شناسایی می‌کند، سپس آثار آن را در درون خود ملاحظه کن که چه تأثیراتی را برجایی گذاشته است:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾^ط (۲۲)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْحَكِيمُ ﴿۲۴﴾ الحشر: ۲۲ - ۲۴

(خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. آگاه از جهان نهان و آشکار است (و ناپیدا و پیدا در برابر دانشش یکسان است). او دارای مرحمت عامه (در این جهان، در حق همگان)، و دارای مرحمت خاصه (در آن جهان، نسبت به مؤمنان) است. خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا،

منزه، بی‌عیب و نقص، امان‌دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، بزرگواری و شکوهمندی و والامقام و فرازمنند است. خداوند دور و فرا از چیزهایی است که انباز او می‌کنند. او خداوندی است که طراح هستی و آفریدگار آن از نیستی و صورتگر جهان است. دارای نامهای نیک و زیبا است. چیزهایی که در آسمانها و زمین هستند، تسبیح و تقدیس او می‌گویند، و او چیره کار بجا است). قرآن برخی از صفات پروردگار را به طور مفصل برای ما توضیح داده، تا از این طریق بر درون ما مسلط گردد و تمام اطراف آن را دربر گیرد؛ به عنوان نمونه وقتی که از علم خداوند بحث می‌راند، با علم گسترده و فراگیری روبرو می‌شویم که تمام زندگی و زندگان را فرا گرفته و تاریکی‌ها و پرده‌ها را پاره نموده و به اعماق درون دست یافته است، و بزرگ و کوچک از نظر علم او مساوی و برابر هستند:

﴿ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٥٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِقَاضٍ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ الأنعام: ٥٩ - ٦٠

(گنجینه‌های غیب و کلید آنها در دست خدا است و کسی جز او از آنها آگاه نیست. و خداوند از آنچه در خشکی و دریا است آگاه است. و هیچ برگی (از گیاهی و درختی) فرو نمی‌افتد مگر این که از آن خبردار است. و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای (درون) زمین، و هیچ چیز تر و یا خشکی نیست که فرو افتد، مگر این که (خدا از آن آگاه، و در علم خدا پیدا است و) در لوح محفوظ ضبط و ثبت است. خدا است که در شب شما را می‌میراند و در روز شما را برمی‌انگیزاند و او می‌داند که در روز (که زمان عمده جنب و جوش و تلاش و کوشش است) چه می‌کنید و چه فراچنگ می‌آورید (و این مرگ و زندگی خواب و بیداری نام، پیوسته ادامه دارد) تا مهلت معین (زندگی هرکس با فرا رسیدن مرگ او) بسر آید. سپس (در روز رستاخیز همگان) به سوی خدا برمی‌گردید و آن گاه شما را بدانچه

(از خوب و بد در دنیا) می‌کردید باخبر می‌گرداند (و پاداش و پادافره اعمال را به صاحبان آنها می‌رساند).

و در جای دیگری می‌فرماید:

﴿ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عِلْمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٣﴾ سبأ: ٢ - ٣

(می‌داند آنچه را که به زمین وارد می‌شود، و آنچه را که از آن خارج می‌شود، و آنچه را که از آسمان پائین می‌آید، و آنچه را که به سوی آن بالا می‌رود، و او مهربان و بخشاینده است. کافران می‌گویند: قیامت هرگز برای (حساب و کتاب و سزا و جزای) ما برپا نمی‌شود. بگو: چرا، به پروردگارم سوگند! آن کسی که دانای راز (نهان در گستره جهان) است، قیامت به سراغ شما می‌آید (و خدا به اعمال شما رسیدگی می‌نماید). به اندازه سنگینی ذره‌ای، در تمام آسمانها و در زمین از او پنهان و نهان نمی‌گردد، و نه کمتر از اندازه ذره و نه بزرگتر از آن، چیزی نیست مگر این که در کتاب آشکاری ثبت و ضبط و نگهداری می‌شود).

و یا می‌فرماید:

﴿ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزِدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ. وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾

الرعد: ٨ - ١٠

(خدا می‌داند که هر زنی (در شکم خود) چه چیز حمل می‌کند (و بار او پسر یا دختر است، و وضع جسمانی و روحانی، و کیفیت و کمیت استعدادها و نیروهای بالقوه در او چگونه است)، و می‌داند که رحمها از چه چیز می‌کاهند و بر چه چیز می‌افزایند (و فعل و انفعالات دوران عادی و قاعدگی و آبستنی آنها چگونه بوده و

زمان حاملگی و زایمان چه وقت و چقدر و بر چه منوال است)، و هر چیز در نزد او به مقدار و میزان است (و از اندازه معین و حساب مشخص برخوردار است). خدا آگاه از جهان پنهان (از دید و دانش مردمان) و آگاه از جهان دیدنی (و آشکار در برابر چشم و علم ایشان) است، و بزرگوار و والا است. کسی که از شما سخن را پنهان می‌دارد، و کسی که سخن را آشکار می‌سازد، و آن که در روز (به دنبال کار خود) روان می‌گردد، (برای خدا بی تفاوت و) یکسان می‌باشند (و خداوند از اوضاع و احوال و رفتار و کردارتان، هرگونه که بوده و هر جا و هر زمان که باشد آگاه است).

پروردگار همچنانکه صفات خود را برای ما بازگو نموده از افعالش نیز بحث رانده است؛ بحث از افعال طوری است که با نفس و درون انسان درمی‌آمیزد و روح او را اسیر خود می‌گرداند، از این رو وقتی انسان به آیات قرآن گوش فرا می‌دهد در جهان هستی به پرواز درمی‌افتد و از فراورده‌های الهی بازدید می‌نماید، و چنان او را به خود جذب می‌کند گویی برای اولین بار است که به هستی می‌انگارد، و لذا ناگهان قلب انسان به خداوندگار می‌پیوندد، نفس به خشوع درمی‌افتد، چشم اشک می‌ریزد و زبان به تسیبحات مشغول می‌گردد:

﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِنَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾

(او است که صبح (سیمین را از شب قیرین) پدیدار ساخته است (تا زندگان برای کسب معاش به تلاش ایستند) و شب را مایه آرامش (و آسایش جسم و جان)، و خورشید و ماه را وسیله حساب (مردمان در امور روزمره عبادی و تجاری خود) کرده است. این (نظم بدیع و نظام استوار) سنجش دقیق و تدبیر محکم (دادار متعالی است که) چیره (بر جهان و) آگاه (از همه چیز آن) است. و او آن کسی است که ستارگان را برای شما آفریده است تا (در شبهای سفر) در تاریکیهای خشکی و دریا بدانها رهنمود شوید. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای کسانی بیان داشته‌ایم که (معانی آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را) می‌دانند. و او کسی است که شما را از یک شخص آفریده است که (آدم است و او هم از خاک زمین است و زمین هم در مدت حیات) محل استقرار و (پس از مرگ) محل تسلیم (به خاک شما) است. ما آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی خود) را برای کسانی بیان داشته‌ایم که (آیات قرآنی و نشانه‌های جهانی را چنان که باید) می‌فهمند. و او کسی است که از (ابر) آسمان، آب (باران) فرو می‌فرستد، و ما (که) خدائیم، با قدرت سترگ خود) به وسیله آن آب، همه رُستنیها را می‌رویانیم و از رُستنیها سبزینه بیرون می‌آوریم، و از آن سبزینه، دانه‌های تنگاتنگ یکدیگر، و از شکوفه‌های درخت خرما خوشه‌های آویزان نزدیک بهم و در دسترس، و باغهای انگور و زیتون و انار پدید می‌سازیم که (در شکل و مزه و بو و سود) همگون و یا غیرهمگونند. بنگرید به میوه نارس و رسیده یکایک آنها، آن گاه که میوه دادند. بیگمان در این (گوناگونی درونی و بیرونی و تغییر آغاز و انجام میوه‌ها) نشانه‌ها و دلایل (خداشناسی) است برای کسانی که (حق را می‌پذیرند و بدان) ایمان می‌آورند).

و در جای دیگری می‌فرماید:

﴿ وَاللَّاتِغَمَّرُ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾
 وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْمَوْنَ وَحِينَ تُسْرَحُونَ ﴿٦﴾ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ
 لَّمْ تَكُونُوا بِلَاغِيهِ إِلَّا بَشِقَ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ وَالْحَيْلَ وَالْبَعَالَ

وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ
 وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَنكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
 لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾ يُبْدِئُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ
 وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ
 يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ
 مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ
 فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَكَّرُونَ ﴿١٣﴾ وَهُوَ
 الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً
 تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾ النحل: ٥ - ١٤

(و چهارپایان (چون گاو و شتر و بز و گوسفند) را آفریده است که در آنها برای
 شما، وسیله گرما (در برابر سرما، از قبیل پوشیدنی و گسترده‌ی ساخته از پشم و
 مویشان) و سودهائی (حاصل از نسل و شیر و سواری و غیره) موجود است و از
 گوشت) آنها می‌خورید (و در حفظ حیات خود می‌کوشید). و برایتان در آنها
 زیبایی است بدان گاه که آنها را (شامگاهان از چرا) باز می‌آورید و آن گاه که آنها
 را (بامدادان به چرا) سرمی‌دهید. آنها بارهای سنگین شما را به سرزمین و دیاری
 حمل می‌کنند که جز با رنج دادن فراوان خود بدان نمی‌رسیدید. بی‌گمان
 پروردگارتان (که اینها را برای آسایشتان آفریده است) دارای رأفت و رحمت
 زیادی (در حق شما) است. و (خدا) اسبها و استرها و الاغها را (آفریده است) تا
 بر آنها سوار شوید و زینتی باشند (که به دل‌هایتان شادی بخشد، و خداوند)
 چیزهائی را (برای حمل و نقل و طی مسافت) می‌آفریند که (شما هم اینک چیزی
 از آنها) نمی‌دانید. (هدایت مردمان به) راه راست بر خدا است، (راهی که منتهی به
 خیر و حق می‌گردد)، و برخی از راهها منحرف و بیراهه است (و منتهی به خیر و

حق نمی‌گردد). و اگر خدا می‌خواست همه شما را (به اجبار به راه راست) هدایت می‌کرد (و نعمت اختیار و آزادی اراده و انتخاب را به شما انسانها نمی‌داد، و لذا همچون حیوانات راهی را بیشتر نمی‌پیمودید و ترقی و تکاملی پیدا نمی‌کردید). او کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاده است (که مایه حیات است) و شما از آن می‌نوشید (و زلال و گوارایش می‌یابید) و به سبب آن گیاهان و درختان می‌رویند و شما حیوانات خود را در میان آنها می‌چرانید. خداوند به وسیله آن (آب) زراعت و (درختان) زیتون و خرما و انگور و همه میوه‌ها را برای شما می‌رویند. بی‌گمان در این (کار آفرینش میوه‌های رنگارنگ و محصولات کشاورزی گوناگون) نشانه روشنی است (از خدا) برای کسانی که (درباره نیروی آفریننده آنها) بیندیشند (و با چشم بینش و خرد به جهان گیاهان بنگرند). و خدا شب و روز و خورشید و ماه را برای (مصلح و منافع) شما مسخر کرد، و ستارگان به فرمان او مسخر (و برای راهیابی شما در دل تاریکیها، در چرخش و گردش) هستند. مسلماً در این کار (کار آفریدن و مسخر کردن) دلایل روشن و نشانه‌های بزرگی (بر قدرت و عظمت خدا) است برای کسانی که تعقل می‌ورزند (و در پرتو خرد به کارها می‌نگرند). و چیزهایی را مسخر شما گردانیده است که در زمین برای شما به رنگهای مختلف و در انواع گوناگون آفریده است. مسلماً در این (کار تسخیر و آفرینش) دلیل واضح و نشانه روشنی (بر قدرت و عظمت خدا) است برای مردمی که عبرت می‌گیرند (و از دیدن این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود می‌اندیشند و به سجود می‌افتند). و او است که دریا را مسخر (شما) ساخته است تا این که از آن گوشت تازه بخورید و از آن زیوری بیرون بیاورید که بر خود می‌پوشید (و خویشتن را بدان می‌آرئید و حس زیبایی را اشباع می‌نمائید) و (تو ای انسان!) کشتیها را می‌بینی که (سینه) دریا را می‌شکافند و (امتع و اقوات را بدینجا و آنجا می‌رسانند. خدا این نعمت را به شما داد) تا شما فضل او را بجوئید (و از دریا در مسیر تجارت استفاده نمائید) و سپاسگزاری کنید).

ایمان به خدا وسیله‌ی کشف اسرار و تعیین جهت

شناخت خدا از طریق صفات و افعالش نقطه شروع صحیحی در زندگانی انسان می‌باشد، پس هرگاه انسان به این نقطه دست یافت از خیر و برکتهای هنگفتی بهره‌مند شده است، زیرا به سوی پروردگارش راه‌یافته و هدایت را کسب نموده، از این رو گامهایش را بر راهی درست می‌نهد و در نهایت به عاقبتی نیک که بهشت ابدی است دست می‌یابد؛ شناخت خدا و آگاهی از وی ما را به خدا می‌رساند و نفس و درون ما را آراسته و بی‌عیب می‌گرداند، سپس جهان هستی و پدیدآورنده‌ی اصلی را به ما شناسایی می‌کند. ایمان به خدا پرده از اسرار جهان و هستی برمی‌دارد و اهداف جهان هستی و انسان را به ما معرفی می‌نماید.

واقعیت این است که امام بخاری کار بسیار زیبایی را انجام داده که کتاب جامع صحیح خود را - که بعد از قرآن صحیح‌ترین کتاب است - با کتاب وحی شروع نموده است، زیرا وحی تنها راه پر امن و امان شناخت حقایق زندگی است، پس اگر به خداوند ایمان داشته باشید و او را تصدیق نمائید و قوانین او را دنبال نمودید بسیاری از اسرار هستی آشکار و برملا می‌گردد.

واقعیت این است کسانی که وحی خدا را کنار گذاشته‌اند در دنیایی متلاطم و پر از آشوب زندگی را سپری می‌کنند، و آرامش و آسایش را از دست داده‌اند؛ امروزه بشریت با تمام نیرو و توان خود از پدیدآورنده‌ی اصلی می‌گردد و از اهداف هستی دقت می‌نماید اما هنوز گمراه و سرگردان هستند، و از ارتباط زن و مرد و وظیفه‌ی پول و ثروت و اداره کردن امور سیاسی مردم تحقیق می‌نمایند اما به هیچ دستاویزی راه نیافته‌اند، زیرا آنها از نظریات و افکاری متناقض پیروی می‌کنند، و حال و وضع بشریت را به آنجا رسانیده‌اند که اعلام دارند جهان هستی بدون آفریدگار پدید آمده و زندگی دنیا هدف و مقصد اصلی انسان است و ارتباط زن و مرد بر رذایل بنیان شده و وظیفه‌ی مال و ثروت این است که در سود و رباهای هنگفت بکار گرفته شود؛ لازم به یادآوری است که این‌گونه نظریه‌ها در غرب و شرق هر روز تغییر

پیدا می‌کند و حال و وضع دیگری را به خود می‌گیرد، و راست گفته خداوندگار آنجا که می‌فرماید:

﴿ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵۷﴾ البقرة: ۲۵۷

(خداوند متولی و عهده‌دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (اما) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و ضلال) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکی‌های (زمخت کفر و فساد) می‌کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند)

ظلمات (تاریکی‌ها) همان نظریات و علمی هستند که برای انسان برنامه‌ریزی شده و هیچ‌گونه ارتباطی با روش انسان ساز الهی ندارد.

مسلمان به خدا ایمان دارد و از طریق پیامبران قوانین خود را از او می‌گیرد؛ ما خدایمان را می‌شناسیم، و همچنین خود و راه و منش و جهان پیرامونمان را می‌شناسیم، از این رو تضاد افکاری که بنیان جوامع انسانی را به لرزه درآورده بود به قانونی هماهنگ و همخوان با جامعه انسانی تبدیل می‌گردد و تمامی آن تراژدی‌هایی که موجب بلا و مصیبت‌های خانمان سوز شده بودند ریشه کن خواهند شد، و همچنین تمامی نظریات و قوانینی که جامعه بشری را دچار تفرقه و پراکندگی نموده بود خاموش و نابود می‌گردند و در نهایت هر چیزی به جایگاه خود بازمی‌گردد و جامعه انسانی به ملتی متحد و یکپارچه تبدیل می‌گردد، همچنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿۵۲﴾ المؤمنون: ۵۲

((و بدیشان گفتیم: به اقوام خود برسانند که) این (پیغمبران بزرگی که بدانان اشاره شد، همگی) ملت یگانه‌ای بوده (و آئین واحد و برنامه یکتائی دارند) و من پروردگار همه شما هستم)).

بنابر این پیروان توحید علی رغم اختلاف زمان، محل زندگی، رنگهای مختلف و جنسیت یک امت واحده را تشکیل می‌دهند.

«خداوند» محور همه فعالیتها

لازم است بدانیم که شناخت خدا کافی نیست، بلکه واجب است خدا را نیز به عنوان هدف اصلی قرار دهیم، فعالیت‌های انسانی واجب است در مسیری معین و مشخص حرکت کنند تا بدین وسیله آغاز و انجام همه کارها با هم هماهنگ و سازگار شوند؛ اصل اولی که از آن بحث راندیم شناخت خدا است، و اصلی دومی که بر اصل نخست بنیان می‌شود این است که تنها به او روی آورده شود.

لازم به ذکر است که بدانیم زندگی بدون آن ناهماهنگ و ناموزن است، و این نتیجه‌ای منطقی برای کسی است که خدا را به عنوان پروردگار و آفریننده قبول نموده و به صفات و افعال او ایمان آورده است؛ چگونه اعلام می‌داریم خداوند کسی است که ما و جهان هستی را به وجود آورده و رزق و روزی را برایمان فرستاده اما به کس دیگری رویی می‌آوریم و قوانین کسی دیگری را دنبال می‌کنیم؟! برآستی که این گونه افکار بسیار متضاد و متناقض هستند و با منطق سلیم و عقل بینا و بیدار ناسازگار است.

واقعیت این است جامعه بشری بسیاری اوقات با این تناقضات روبرو گشته است، بسیاری از مردم اعتراف کرده‌اند که خداوند پروردگار، خالق و رازق آنها است، اما سر تعظیم در برابر جلال و عظمت وی فرود نیاورده و او را تقدیس ننموده‌اند، و از او درخواست ننموده و به او اعتماد و توکل نکرده‌اند، بلکه بسیاری از مردم دیگران را مورد تقدیس و تعظیم قرار داده‌اند و از کسی کمک خواسته‌اند که شایسته‌ی یاری جستن نیست، و تنها پیام پیامبران الهی برای اقوام و پیروانشان

این بوده که آن معبودهای مصنوعی استحقاق عبادت را ندارند و تنها معبودی که شایسته‌ی عبادت باشد خداوند متعال است، زیرا او تنها خالق است که رازق، زنده، شنونده و بینا است و مرگ و زندگی در دست او است، ابراهیم - علیه السلام - در مورد خدایان دروغین با قوم خود این چنین به بحث و گفتگو نشست:

﴿ إِذْ قَالَ لِأَيِّهِمْ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۷۰﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَافِيَةً ﴿۷۱﴾
 قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿۷۲﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿۷۳﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا
 كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۷۴﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿۷۵﴾ أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ وَالْأَقْدَمُونَ
 ﴿۷۶﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿۷۷﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿۷۸﴾ وَالَّذِي هُوَ
 يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿۷۹﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿۸۰﴾ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿۸۱﴾
 وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿۸۲﴾ ﴾ (الشعراء: ۷۰ - ۸۲)

(هنگامی که به پدرش (آزر) و قوم (بت پرست) خود گفت: چه چیز را پرستش می‌کنید؟ (چیزهایی را که می‌پرستید، کی شایسته پرستش می‌باشند؟) (مفتخرانه پاسخ دادند و) گفتند: بت‌های بزرگی را می‌پرستیم و دائماً (به پرستش آنها می‌پردازیم و) بر عبادتشان ماندگار می‌مانیم. گفت: آیا هنگامی که آنها را به کمک می‌خوانید، صدای شما را می‌شنوند و نیازتان را برآورده می‌کنند؟ یا سودی به شما می‌رسانند (اگر از آنها اطاعت کنید؟) و یا زبانی متوجه شما می‌سازند (اگر از آنها سرپیچی نمائید؟) می‌گویند: (چیزی از این کارها را نمی‌توانند بکنند) فقط ما پدران و نیاکان خود را دیده‌ایم که این چنین می‌کردند (و بتان را به گونه ما پرستش می‌نمودند و ما هم از کارشان تقلید می‌کنیم و بس. مگر می‌شود پدران و نیاکان ما در اشتباه بوده باشند؟) آیا (می‌دانید که چه کار می‌کنید و) می‌بینید که چه چیز را می‌پرستید؟! هم شما و هم پدران پیشین شما. همه آنها دشمن من هستند (آنهايي که شما معبود خود می‌دانید) بجز پروردگار جهانیان. (پروردگار جهانیانی) که مرا آفریده است، و هم او مرا (به سوی سعادت دنیا و آخرت) راهنمایی می‌سازد (و در سراسر زندگی من حضور دارد و لحظه‌ای از من غافل نیست). آن کسی است که او مرا می‌خوراند و می‌نوشاند. و هنگامی که بیمار شوم او است که مرا شفا می‌دهد. و آن کسی است

که (چون اجلم فرا رسید) او مرا می‌میراند و سپس (در رستاخیز برای حساب و کتاب و جزا و سزا) مرا زنده می‌گرداند. و آن کسی است که امیدوارم در روز جزا و سزا (که قیامت برپا است) گناهم را ببامزد).

براستی که اینها شایسته‌ی عبادت نیستند، زیرا هیچ فریادی را نمی‌شنوند و هیچ گونه نفع و ضرری از دست ایشان بر نمی‌آید، و این تنها خداوند است که استحقاق عبادت را دارد، زیرا او است که می‌خوراند و می‌نوشاند، بیماران را شفا می‌دهد، مرگ و زندگی را در دست دارد، گناهان را می‌آمرزد و از اشتباهات درمی‌گذرد. و خداوند به پیامبرش محمد ﷺ دستور داد با مشرکین مکه رویارویی نماید و بی‌پروا اظهار نماید خدایان آنها شایسته‌ی هیچ یک از آن عبادتها نبوده و تنها خدای یگانه استحقاق تمامی آن عبادتها را دارد:

﴿ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۗ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ ۝۵۹ ۞ أَمَّنَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَلِيمٍ قَوْمٌ يُعَدِلُونَ ۝۶۰ ۞ أَمَّنَ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ آنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَلِيمٍ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ۝۶۱ ۞ أَمَّنَ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَلِيمًا مَّا نَذَكَّرُونَ ۝۶۲ ۞ أَمَّنَ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝۶۳ ۞ أَمَّنَ يَدْعُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَلِيمٍ قَوْلَهُ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝۶۴ ۞ ﴾ (النمل: ۵۹ - ۶۴)

((ای پیغمبر!) بگو: خدای را سپاس (می‌گویم که تباهکاران همچون قوم ثمود و گردنکشان همسان فرعونیان را به دیار عدم فرستاد، و از خدا درخواست می‌نمایم که نازل فرماید) رحمت و مغفرت خود را بر بندگان برگزیده خویش. آیا خدا (که

این همه قدرت و نعمت و موهبت دارد) بهتر است (برای پرستش و کرنش) یا چیزهائی که انباز خدا می‌سازید (و فاقد نفع و ضرر هستند و چیزی از آنها ساخته نیست؟). (آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده است، و برای شما از آسمان آبی بارانده است که با آن باغهای زیبا و فرح‌افزا رویانیده‌ایم؟ باغهایی که شما نمی‌توانستید درختان آنها را برویاند. آیا (با توجه به آفرینش آسمانها و زمین و نزول باران و برکات و ثمرات ناشی از آن، و هماهنگی و پیوند لطیف و دقیق هر یک از این مخلوقات) معبودی با خدا است؟! اصلاً ایشان قومی هستند (از حق پرستی به بت پرستی) عدول می‌کنند. (بتها بهترند) یا کسی که زمین را قرارگاه (و محل اقامت انسانها) ساخته است، و در میان آن رودخانه‌ها پدید آورده است، و برای زمین کوههای پابرجا و استوار آفریده است (تا قشر زمین را از لرزش نگاه دارند) و میان دو دریا مانعی پدیدار کرده است (تا آمیزه یکدیگر نگردند. حال با توجه به اینها) آیا معبودی با خدا است؟! اصلاً بیشتر آنان بی‌خبر و نادانند (و قدر عظمت خدا را نمی‌دانند). (آیا بتها بهترند) یا کسی که به فریاد درمانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هر گاه او را به کمک طلبد، و شما (انسانها) را (برابر قانون حیات دائماً به طور متناوب) جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد (و هر دم اقوامی را بر این کره خاکی مسلط و مستقر می‌گرداند. حال با توجه بدین امور) آیا معبودی با خدا است؟! واقعاً شما بسیار کم اندرز می‌گیرید. (آیا بتهای بی‌جان بهترند) یا کسی که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا رهنمود (و دستگیری) می‌کند، و کسی که بادها را به عنوان بشارت دهندگان، پیشاپیش نزول رحمتش وزان می‌سازد (و آنها را پیک قدوم باران می‌سازد. در ساختن و راه‌اندازی اینها) آیا معبودی با خدا است؟ خدا فراتر و دورتر از این چیزهائی است که انباز او می‌گردانند. (آیا معبودهای دروغین شما بهترند) یا کسی که آفرینش را می‌آغازد، سپس آن را برگشت می‌دهد، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی عطاء می‌کند؟ (حال با توجه به قدرت آفرینش یزدان، و نظم و نظام موجود در پدیده‌های جهان، و اقرار عقل سالم به زنده شدن دوباره مردمان در دنیای جاویدان) آیا معبودی با خدا است؟ (ای پیغمبر بدیشان)

بگو: دلیل و برهان خود را بیان دارید اگر راست می‌گوئید (که جز خدا معبودهای دیگری هم وجود دارند).

بنا بر این وقتی که خداوند به تنهایی مسئول تمامی این کارها است پس تنها او نیز استحقاق عبادت را دارد، و تنها منهجی که با زندگی انسان سازگار می‌باشد همان منهجی است که خداوند برای مردم فرو فرستاده تا در زندگی خصوصی و عمومی خود طبق آن حرکت نمایند. و تنها کسانی که به نحو شایسته‌ای حق توحید و یگانه پرستی را رعایت نموده‌اند کسانی هستند که خدا را شناخته و تنها به او روی آورده و از منهج او پیروی و تبعیت نموده‌اند، و این همان راهی است که انسان را از دست اربابهای جعلی بی‌شماری نجات می‌دهد:

﴿أَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ یوسف: ۳۹

(آیا خدایان پراکنده (و گوناگونی که انسان باید پیرو هر یک از آنها شود) بهترند یا خدای یگانه چیره (بر همه چیز و کس؟).

انسان از طریق اسماء و صفات، خدا را می‌شناسد و تنها به او روی می‌آورد، بنابر این خود را با بزرگترین و شریف‌ترین قضیه مشغول می‌نماید و تمامی شوق و علاقه‌های خود را متوجه خدای یگانه می‌کند، از این رو او را دوست دارد و ترس و امیدش را تنها به او پیوند می‌دهد، به او اعتماد می‌کند، بر وی توکل می‌نماید و تنها در راه کسب رضایت او قدم برمی‌دارد.

پروردگارا! تنها برای تو سجده می‌بریم و همه‌ی تلاش و کوشش ما تنها برای تو است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الأنعام: ۱۶۲

(بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن خدا است که پروردگار جهانیان است (و این است که تنها خدا را پرستش می‌کنم و کارهای این جهان خود را در مسیر رضایت او می‌اندازم و بر بذل مال و جان در راه یزدان می‌کوشم و در این راه می‌میرم، تا حیاتم ذخیره ممانم شود)).

آری انسان با توجه به تعالیم واضحی که از خداوند تلقی می‌کند «الله» به عنوان محور علم، فکر و عمل او قرار می‌گیرد، واقعیت این است که الله محور زندگی

انبیا، پیامبران و صالحین بوده، و کافی است از خلال آیات قرآن به مسیر حرکت پیامبران و فرستادگان الهی نگاه نمائید، آنگاه می‌فهمید که تمامی تعالیمی که برای آنها نازل شده حول این محور می‌چرخد:

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴾

﴿ ۲۵ ﴾ (الأنبياء: ۲۵)

(ما پیش از تو هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم، مگر این که به او وحی کرده‌ایم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستش کنید).
خداوند خاتم پیامبران خود را چنین دستور داد که:

﴿ قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّكُمْ إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَحْدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾

﴿ ۱۰۸ ﴾ (الأنبياء: ۱۰۸)

(بگو: (اصل دعوت من این است:) به من وحی می‌شود که معبود شما یکی بیش نیست (و بقیه چیزهای دیگری که به من وحی می‌گردد، تابع همین اصل اساسی توحید است). حال که چنین است، آیا شما تسلیم (خداوند یگانه) می‌گردید (و بت‌های سنگی و معبودهای طاغوتی را کنار می‌گذارید؟).

توحید محور و مدار قرآن است

کسی که به دقت قرآن را مورد نظر قرار بدهد مصداق این آیه را در آن خواهد دید، زیرا تمام قرآن حول این محور می‌چرخد، و هر آنچه به پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی نموده در این مسأله قرار گرفته است. بنابر این قرآن یا اینکه از اسماء و صفات خداوند خبر داده و یا اینکه بندگان را به عبادت خدای یگانه و دوری از پرستش غیر او فرا می‌خواند. (و این دو روی سکه توحید است: توحید اعتقادی که خدا و افعال او را توصیف می‌کند و توحید عملی که بندگان را تنها به سوی پروردگارشان توجیه می‌نماید)، و یا اینکه دستورات و منهیاتی برای اطاعت و فرمانبرداری از خداوند است و این از مستلزمات توحید است، و یا اینکه از اکرام اهل توحید در دنیا و پاداش آنها در آخرت در مقابل حفظ توحید بحث رانده، و یا اینکه از سختی و ناراحتیهای مشرکین در دنیا و عذاب و دردهای آخرت آنها در مقابل خروج از توحید خبر داده است. پس قرآن تنها از توحید و یگانه پرستی بحث می‌راند:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ

عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾ الكهف: ١١٠

((ای پیغمبر!) بگو: من فقط انسانی همچون شما هستم (و امتیاز من این است که من پیغمبر خدایم و آنچه گفت: بگو؛ می‌گویم) و به من وحی می‌شود که معبود شما یکی است و بس. پس هرکس که خواهان دیدار خدای خویش است، باید که کار شایسته کند، و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نسازد).

کسی که خدا را ندارد هیچ چیزی ندارد

توحید نقطه‌ی شروع و پایان زندگانی انسان مسلمان و امت اسلامی است و کسی که آن را ندارد خسارتمند دنیا و آخرت شده و هیچ چیزی برایش باقی نمانده است، واقعیت این است که او از الاغ گمراه‌تر است، پس زندگانی سختی را سپری

می‌کند و هر آنچه انجام می‌دهد پس داده می‌شود و گناهانش مورد بخشش واقع نمی‌شوند و با آخرت و سرانجامی پر از شقاوت و بدبختی روبرو خواهد شد:

﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ﴾ ﴿٤٨﴾ النساء: ۴۸

(بیگمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از هرکس که خود بخواهد می‌بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است).

﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴾ ﴿١١٦﴾ النساء: ۱۱۶

(بیگمان خداوند شرک ورزیدن به خود را (از کسی) نمی‌آمرزد و بلکه پائین‌تر از آن را از هرکس که بخواهد (و صلاح بداند) می‌بخشد. هر که برای خدا انباز بگیرد، به راستی بسی گمراه گشته است (و خیلی از حق پرت شده است)).

﴿ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴾ ﴿٣١﴾ الحج: ۳۱

(حَقَّگرا و منخلص خدا باشید، و هیچ‌گونه شرکی برای خدا قرار ندهید. زیرا کسی که برای خدا انبازی قرار دهد، انگار (به خاطر سقوط از اوج ایمان به حضيض کفر) از آسمان فرو افتاده است (و به بدترین شکل جان داده است) و پرندگان (تکّه‌های بدن) او را می‌ربایند، یا این که تندباد او را به مکان بسیار دوری (و دره ژرفی) پرتاب می‌کند (و وی را آن‌چنان بر زمین می‌کوبد که بدنش متلاشی و هر قطعه‌ای از آن به نقطه‌ای پرت می‌شود)).

و مادام که گناهانشان مورد عفو واقع نشود آنها از بهشت محروم شده و برای همیشه در آتش دوزخ باقی خواهند ماند:

﴿ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَهُ النَّارُ ﴾ ﴿المائدة: ۷۲﴾

(بیگمان هر کس انبازی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است (و هرگز به بهشت گام نمی‌نهد) و جایگاه او آتش (دوزخ) است).

﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفْنِحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ ﴾ الأعراف: ٤٠ - ٤١

(بیگمان کسانی که آیات (کتابهای آسمانی و نشانه‌های گسترده جهانی) ما را تکذیب می‌کنند و خویشان را بالاتر از آن می‌دانند که بدانها گردن نهند، درهای آسمان بر روی آنان باز نمی‌گردد (و خودشان بی‌ارج و اعمالشان بی‌ارزش می‌ماند) و به بهشت وارد نمی‌شوند مگر این که شتر از سوراخ سوزن خیاطی بگذرد (که به هیچ وجه امکان ندارد، و لذا ایشان هرگز به بهشت داخل نمی‌گردند). این چنین ما گناهکاران را جزا و سزا می‌دهیم. برای آنان (در دوزخ) بستری از آتش و بالاپوشهائی از آتش است. ما این چنین جزا و سزای ستمکاران (گمراه و کفرپیشه) را می‌دهیم).

و در روایت آمده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: در روز قیامت ابراهیم به پدرش آزر می‌رسد و غم و اندوه و کدورت و افسردگی را بر رخسارش مشاهده می‌کند، پس ابراهیم به او می‌گوید: مگر به شما نگفتم از دستور من سرپیچی نکن؟ پدرش می‌گوید: امروز به فرمان شما گوش فرا می‌دهم. ابراهیم خطاب به بارگاه حق تعالی می‌گوید: پروردگارا! تو به من وعده دادی که در روز واپسین مرا شرمنده و شرمسار نکنید، پس چه ذلتی از این بزرگتر است که پدرم را از بهشت دور گردانید؟ پروردگار می‌فرماید: من بهشت را بر کافرین حرام گردانیده‌ام. سپس به ابراهیم می‌گوید: ای ابراهیم! آن چیست که در کنارت ایستاده است؟ ابراهیم نگاه می‌کند که کفتاری آلوده و نجس در کنارش ایستاده است (یعنی خداوند پدر ابراهیم را به کفتاری تبدیل می‌نماید تا مردم او را نشناسند و ابراهیم را آزرده خاطر ننماید)

سپس دست و پایش را می‌گیرند و او را به آتش جهنم پرت می‌کنند! خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾ (۳۴)

محمد: ۳۴

(کسانی که کافر گردند و مردمان را از راه خدا بازدارند و سپس بمیرند در حالی که کافر باشند، هرگز خداوند ایشان را نخواهد بخشید).
اما موحدینی که پابرجا ماندند و توحید را دنبال کردند به پاس تلاش و کوششی که در این راه انجام دادند پاداش می‌گیرند و گناهانشان نیز بخشیده خواهد شد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا﴾ (۱۰۷) ﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا

يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا﴾ (۱۰۸) الكهف: ۱۰۷ - ۱۰۸

(بی‌گمان کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، باغهای بهشت جایگاه پذیرائی از ایشان است. جاودانه در آنجا می‌مانند و تقاضای نقل مکان از آنجا را نمی‌نمایند (و حاضر نیستند آن را با چیزی عوض کنند)).

توحید نخستین مسئولیت دعوتگران است

بنابر این اگر توحید چنین مقام والایی دارد و آن خطر بزرگ را متلاشی می‌کند، لازم است انسان مسلمان آن را به دقت شناسایی کند و خود را از شرک نجات دهد، زیرا چنانکه ابن مسعود بیان داشته شرک از خزیدن مورچه نیز پوشیده‌تر و پنهان‌تر است.

لازم است دعوتگران نیز تمام تلاش و کوشش خود را در راستای آگاهی مردم صرف نموده و توحید را به آنها شناسایی کنند و چگونگی خالص نمودن دین برای خدای یگانه را برای آنها تعریف نمایند، و همچنین لازم است همانند پیامبران توحید را اصل و اساس تمامی کارهایشان قرار داده و مشکلات و قضایای مردم را به همان اصل بزرگ و حیاتی ارجاع دهند.

شرک هنوز هم ماندگار است

لازم به یادآوری است که مظاهر و صورتهای گوناگون شرک هنوز هم در زندگانی جوامع انسانی به وضوح دیده می‌شود، زیرا در بسیاری از کشورهای جهان مجسمه، بت، گاو و حیواناتی دیگر مورد تقدیس قرار می‌گیرند. و هنوز هم در سرزمین اسلامی کسانی یافت می‌شوند که برای مردگان تقدیس قائل می‌شوند و از آنها یاری می‌جویند و با نذر و قربانی کردن برای آنها و طواف به دور قبرهایشان آنها را مورد پرستش قرار می‌دهند.

شرکی که امروز بسیار رایج است

مصیبت بزرگ این است که امروزه بشریت خود را شریک خداوند می‌داند و می‌خواهد همانند خداوند قانون‌گذاری نماید، با توجه به اینکه کسانی به‌پا خواسته

و قوانین و برنامه‌هایی مخالف با قوانین الهی را برای انسان تشریح نموده‌اند، برآستی که قانونمداران علیه حقوق خداوند شورش کرده و بدان تجاوز نموده‌اند:

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ یوسف: ۴۰

(فرمانروائی از آن خدا است و بس. (این، او است که بر کائنات حکومت می‌کند و از جمله عقائد و عبادات را وضع می‌نماید)).

و خود را همانند شریک خداوند اعلام داشته‌اند:

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ﴾ الشوری: ۲۱

(شاید آنان انبازها و معبودهائی دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند که خدا بدان اجازه نداده است (و از آن بی‌خبر است؟)).

و این نشانه جهل و گمراهی است:

﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ المائدة: ۵۰

(آیا (آن فاسقان از پذیرش حکم تو بر طبق آنچه خدا نازل کرده است سرپیچی می‌کنند و) جوای حکم جاهلیت (ناشی از هوی و هوس) هستند؟ آیا چه کسی برای افراد معتقد بهتر از خدا حکم می‌کند؟).

لازم به ذکر است که تمامی کسانی که این قوانین را وضع نموده‌اند، بدان حکم کرده‌اند و تسلیمش شده‌اند توحید و ایمان خود را نقض نموده‌اند و ستمکارانه ادعای توحید را سر می‌دهند:

﴿وَيَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ فِرْيَقٌ مِّنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا

أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ النور: ۴۷

((از جمله کسانی که خدا توفیق هدایت قریششان فرموده است، منافقانی هستند که پرتو ایمان به دل‌هایشان نتابیده است، ولی دم از ایمان می‌زنند) و می‌گویند: به خدا و پیغمبر ایمان داریم و (از اوامرشان) اطاعت می‌کنیم، اما پس از این ادعاء، گروهی از ایشان (از شرکت در اعمال خیر همچون جهاد، و از حکم قضاوت شرعی) رویگردان می‌شوند، و آنان در حقیقت مؤمن نیستند).

﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۗ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴾ النساء: ۶۰

((ای پیغمبر!) آیا تعجب نمی‌کنی از کسانی که می‌گویند که آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی با وجود تصدیق کتابهای آسمانی، به هنگام اختلاف) می‌خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند (و حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند؟!)). و حال آن که بدیشان فرمان داده شده است که (به خدا ایمان داشته و) به طاغوت ایمان نداشته باشند. و اهریمن می‌خواهد که ایشان را بسی گمراه (و از راه حق و حقیقت بدر) کند.

خداوند تبارک و تعالی اهل کتاب را مورد نکوهش قرار داده، زیرا ایشان از قوانین علمای دینی و پارسایان خود تبعیت نمودند که بر خلاف شریعت الهی پی‌ریزی شده بود:

﴿ اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ ﴾ التوبة: ۳۱

(یهودیان و ترسایان علاوه از خدا، علماء دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته‌اند (چرا که علماء و پارسایان، حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می‌کنند، و خودسرانه قانونگذاری می‌نمایند، و دیگران هم از ایشان فرمان می‌برند و سخنان آنان را دین می‌دانند و کورکورانه به دنبالشان روان می‌گردند. ترسایان افزون بر آن) مسیح پسر مریم را نیز خدا می‌شمارند).

دعوت توحید خواهان التزام به منهج حق است و از ما می‌خواهد که خدا را به عنوان پروردگار و معبود خود قرار دهیم و در نماز و روزه و دعاها ایمان به او روی آوریم، و اگر در مسایل سیاسی، اقتصادی، آموزشی و... از قوانین او روی گردانیم و در برابر آن تکبر و ورزیم با همان گمراهی و انحرافی مواجهه می‌شویم که مشرکین با آن مواجه شده بودند و همراه خدا برای خدایان دیگری نیز عبادت می‌کردند.

نشانه های یکتاپرستی

هنگامی که برای برافراشتن پرچمی که از گذشتگان خود تحویل گرفته‌ایم و در اطراف و اکناف این مرز و بوم قدم برمی‌داریم، باید نکات زیر را مد نظر قرار دهیم:

۱. دعوت مردم به توحید و یگانه پرستی از جهت شناخت خدا در فکر و بینش و از جهت عبادت و پرستش او در کردار و رفتار همان قضیه‌ی بزرگ اسلامی است که در طول تاریخ بشریت کشمکش و زد و خورد‌های زیادی را به وجود آورده، و همان رسالتی است که پیامبران آن را برداشته‌اند و دعوتشان را روی آن بنیان نهاده‌اند، و کسانی که این قضیه را نفهمیده‌اند و از آن روی برتافته‌اند دچار خسارت و ضرر و زیان واضح و روشنی گشته‌اند.

۲. قضیه‌ی توحید و یگانه پرستی از چند طریق تحقق پیدا می‌کند:

نخست: اینکه پروردگاران را بشناسیم و قاطعانه اقرار نماییم که او آفریدگار ما و آفریدگار جهان هستی و نشانه‌های آن است، و یقین داشته باشیم که او جهان هستی را تدبیر می‌نماید و امورات آن را روبراه می‌نماید، و او از همه‌ی مخلوقاتش خبر دارد و با قدرت و توانی که دارد در آنها عمل می‌کند و هرآنچه که بخواهد به وقوع می‌پیوندد و آنچه که نخواهد هرگز به وجود نمی‌آید:

﴿ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ البقرة: ٢٥٥

(خدائی بجز الله وجود ندارد و او زنده پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است (و در ملک

کائنات، او را انبازی نیست). کیست آن که در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمانها و مکانها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان) چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است). فرماندهی و فرمانروایی او آسمانها و زمین را دربر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است).

خداوند سبحان به پیامبرش محمد ﷺ دستور می‌دهد که پروردگارش را به فریاد طلبیده، به این حقیقت اقرار نموده و این گونه به مناجات پردازد:

﴿ قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾ ﴾ (آل عمران: ۲۶ - ۲۷)

(بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارائی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارائی را بازپس می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزت و قدرت می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بیگمان تو بر هر چیزی توانائی. (بخشی از) شب را جزو روز می‌گردانی (و بدین سبب شبها کوتاه و روزها دراز می‌گردند) و (بخشی از) روز را جزو شب می‌گردانی (و لذا روزها کوتاه و شبها دراز می‌شوند) و زنده را از مرده پدید می‌آوری و مرده را از زنده، و به هر کس که بخواهی بدون حساب روزی می‌بخشی).

دوم: اینکه اعتراف نماییم که تنها این خدای خالق، رازق، مدبر، قادر و دارای تمامی صفات کمال و جلال استحقاق عبادت را دارد.

بسیاری از مردم به این واقعیت اقرار می‌نمایند و وجود خدا را تصدیق نموده و اعلام می‌دارند که او خالق هستی و رازق و روزی دهنده است و مرگ و زندگی در دست او است، اما به تنهایی او را عبادت نمی‌کنند، بلکه همراه او برای دیگران نیز عبادت انجام می‌دهند، و به عنوان نمونه می‌توانیم به اعراب حجاز اشاره نماییم که خدا را می‌پرستیدند و برای او حج می‌کردند و در دعاهایشان او را فرا می‌خواندند، به گمان خود فرزندان ابراهیم و حاملین دعوت او بودند و اقرار می‌کردند که خداوندگار خالق و رازق آنها است و مرگ و زندگی‌شان در دست او است، اما همراه او بت و... را می‌پرستیدند:

﴿ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴾ العنكبوت: ۶۱

(هر گاه از آنان (که کسانی و یا بت‌هایی را شریک خدا می‌دانند) بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است، و خورشید و ماه را (برای منافع شما انسانها روان و) مسخر کرده است؟ قطعاً خواهند گفت: خدا! (چرا که می‌دانند که این معبودهای دروغین همه مخلوقند و توانائی آفرینش کائنات و چرخش کرات را نداشته و ندارند)).

﴿ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْمُونَ ﴿۸۴﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۸۵﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۸۶﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا نُنْقِزُكَ ﴿۸۷﴾ قُلْ مَنْ مِثْلُ يَدَيْهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمُونَ ﴿۸۸﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿۸۹﴾ المؤمنون: ۸۴ - ۸۹

(بگو: زمین و کسانی که در زمین هستند از آن کیستند، اگر دانا و فرزانه‌اید؟! (بر اساس ندای فطرت، و بداهت عقل) خواهند گفت: (همه کائنات، و از جمله زمین و ساکنان آن) از آن خدایند. بگو: پس چرا نمی‌اندیشید و یادآور نمی‌گردید (که تنها مالک کائنات شایسته پرستش است و بس؟). بگو: چه کسی صاحب آسمانهای

هفتگانه و صاحب عرش عظیم است؟ (آیا ملک کائنات و فرمانروائی بر آنها از آن کیست؟). خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چرا پرهیزگاری پیش نمی‌گیرید (و خویشان را از فرجام شرک و کفر و عصیان نسبت به یزدان، صاحب و فرمانده جهان به دور نمی‌دارید؟!)). بگو: آیا چه کسی فرماندهی بزرگ همه چیز را در دست دارد (و ملک فراخ کائنات و حکومت مطلقه بر موجودات، از آن او است؟) و او کسی است که پناه می‌دهد (هر که را بخواهد) و کسی را (نمی‌توان) از (عذاب) او پناه داد، اگر فهمیده و آگاهید؟! خواهند گفت: از آن خدا است. بگو: پس چگونه گول (هوی و هوس و وسوسه شیاطین را) می‌خورید و (از حق کناره‌گیری می‌کنید، انگار) جادو و جنبل می‌شوید؟).

بدون شک این یک تناقض واضح و آشکار است، چگونه وحدانیت خدا را تصدیق و به خالقیت و رازق بودن او اقرار نموده و او را صاحب مرگ و زندگی دانسته، اما عبادت، دعا و استعانت را به او پیوند ندهیم و چگونه امکان دارد به قوانین بشری گردن نهیم و از مناهج و رفتار آنها پیروی نماییم؟! براستی که همه‌ی اینها نشانه‌ی گمراهی است.

می‌خواهم این قضیه را توضیح دهم که برخی از نویسندگان وصف ایمان را بر همه‌ی کسانی که به وجود خدا و خالقیت او اعتراف نموده‌اند اطلاق کرده‌اند، هرچند که او را عبادت ننمایند و از منهج او پیروی نکنند، و این خطا و اشتباهی واضح و آشکار است، زیرا ایمان دارای حد و مرزی مشخص و نشانه‌هایی واضح می‌باشد، پس تنها کسی مؤمن خوانده می‌شود که طبق قرآن و سنت بدان چنگ فرا زند. و لذا هنگامی که راجع به ایمان از پیامبر سؤال می‌شود؟ در پاسخ فرمود:

«أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله، واليوم الآخر، وتؤمن بالقدر خيره

وشره»^۱

(ایمان این است که به وجود خدا، فرشتگان، حقانیت کتابها، پیامبران و به حقانیت روز واپسین یقین داشته باشی).

هر کس یکی از این ارکان پنجگانه را نقض نموده و در مقابل آن کوتاهی ورزد مؤمن محسوب نمی‌شود، بنابر این ایمان تنها تصدیق وجود خداوند نیست و بس. مسأله دیگری که می‌خواهم بیان دارم عبارت از: اسلوب قرآن در مجادله با مشرکینی است که به وجود خدا اعتراف می‌کردند و او را همانند خالق، رازق، صاحب مرگ و زندگی، مدبر و متصرف می‌شناختند، اما همراه او دیگری را می‌پرستیدند و عبادت را تنها برای او انجام نمی‌دادند، بنابر این قرآن مسأله‌ی نخست را به طور مفصل توضیح داده تا از این طریق مسأله‌ی دومی را واجب گرداند، زیرا تنها کسی که خالق، رازق و... است شایسته عبادت بوده و جز او احدی شایستگی احراز چنین مقامی را ندارد.

خداوند متعال پیرامون استدلال بر اینکه تنها او استحقاق عبادت را دارد، خطاب به مشرکین می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتْ رَتْقًا فَفَنَّتَهُمَا وَجَعَلْنَا مِنْ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾﴾ الأنبياء: ٣٠ - ٣٣

(آیا کافران نمی‌بینند که آسمانها و زمین (در آغاز خلقت به صورت توده عظیمی در گستره فضا، یکپارچه) به هم متصل بوده و سپس (بر اثر انفجار درونی هولناکی) آنها را از هم جدا ساخته‌ایم (و تدریجاً به صورت جهان کنونی درآورده‌ایم) و هرچیز زنده‌ای را (اعم از انسان و حیوان و گیاه) از آب آفریده‌ایم. آیا (درباره آفرینش کائنات نمی‌اندیشند و) ایمان نمی‌آورند؟ ما در زمین کوههای استوار و ریشه‌داری پدید آورده‌ایم تا زمین انسانها را مضطرب نسازد و توازن آنان را به هم نزند (و کوهها از فشار گدازه‌ها و گازهای درونی، و حرکات پوسته زمین، و از وزش تند بادهای، تا حدّ زیادی جلوگیری کنند)، و در لابلاهی کوهها راههای گشادی به وجود آورده‌ایم، تا این که (پیوند انسانها به وسیله سلسله جبالها از هم

نگسلد و به مقصدشان) راهیاب گردند (و با دیدن این آثار به ذات آفریدگار پی ببرند). و ما آسمان را سقف محفوظی نمودیم، ولی آنان از نشانه‌های (خداشناسی موجود در) آن روی گردانند (و درباره این همه عظمتی که بالای سرشان جلوه‌گر است نمی‌اندیشند). خدا است که شب و روز و خورشید و ماه را آفریده‌است و همه در مداری می‌گردند (که او برای آنها تعیین کرده است)).

سوم: اینکه از لابلای نصوصی که راجع به اسماء و صفات و افعال خدا بحث می‌رانند پروردگاران را بشناسیم و از او اطلاع بیابیم، و این بهترین راهی است که بندگان را به خدا می‌رساند و به نحو شایسته‌ای او را می‌شناسند، زیرا در دنیا خداوند دیده و مشاهده نمی‌شود، و کسی که با تدبیر و تأمل قرآن را مطالعه نماید می‌بیند صفحات آن آکنده از خداشناسی و بحث از اسماء و صفات وی می‌باشد. اندیشیدن در اسماء و صفات خدا و خواندن و تمجید او با اسماء و صفاتی که برای خود قائل شده بینش و درون انسان را زنده می‌گرداند و آرامش و حیات را به او باز می‌گرداند:

﴿الْأَبْدَانُ لِلَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الرعد: ۲۸

(هان! دلها با یاد خدا آرام می‌گیرند (و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای یزدان اطمینان پیدا می‌کنند)).

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ الأعراف: ۱۸۰

(خدا دارای زیباترین نامها است (که بر بهترین معانی و کاملترین صفات دلالت می‌نمایند. پس به هنگام ستایش یزدان و درخواست حاجات خویش از خدای سبحان) او را بدان نامها فریاد دارید و بخوانید).

چهارم: معنی عبادت بسیار گسترده و وسیع است، از این‌رو عبادتی که به ما دستور داده شده خدا را به وسیله‌ی آن بخوانیم، کلمه‌ای است که شامل شعارهای دینداری (عبادات)، اعمال قلبی (نیات) و سلوک و رفتار می‌آید، پس چنانکه امروز رایج گشته، مراد از شریعتی که به ما دستور داده شده از آن پیروی نماییم تنها شعارهای دینداری (عبادات) نیست.

پنجم: برای توحید و یگانه‌پرستی اقرار به وحدانیت خدا در ربوبیت (توحید اعتقادی) و الوهیت (توحید عملی) کافی نیست، بلکه لازم است همراه آن نسبت به طاغوت‌هایی که در برابر خدا نصب شده‌اند و مورد پرستش واقع می‌شوند کفر ورزیده شود، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا
أَنْفِصَامَ لَهَا﴾ البقرة: ۲۵۶

(بنابراین کسی که از طاغوت (شیطان و بتها و معبودهای پوشالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) نافرمانی کند و به خدا ایمان بیاورد، به محکم‌ترین دستاویز درآویخته است (و او را از سقوط و هلاکت می‌رهاند و) اصلاً گسستن ندارد).

عبادت بدین معنی نیست که خدا را بستاییم و سپس با کفار و ستمگران صلح و آشتی نماییم، بلکه کفر به باطل و جنگ و مقابله با او از صمیم ایمان است و نباید هیچگونه سازشی با آنها را بکار گرفت.

ششم: مورد کینه و دشمنی قرار دادن طاغوت و طاغوتیان؛ برخی از دعوت‌گران اسلامی معتقد هستند که ما نسبت به کافرین و فاسقین هیچ‌گونه تنفر و کینه‌ای نداریم و خواهان خیر و برکت برای آنها هستیم، زیرا انسان مسلمان کینه توز نیست و نسبت به کسی بغض و کینه ندارد؛ اما باید بدانیم که این کلمه حاوی حق و باطل است: باطل از این‌رو که معتقد هستند مسلمان نسبت به کسی بغض و کینه ندارد، و این سخنی نادرست و مردود است، زیرا خداوند به ما دستور داده که نسبت به شیطان، فرعون، ابوجهل و... نهایت نفرت و کینه داشته باشیم، اینها دشمنان خدا هستند و خداوند از آنها بیزار است و آنها را ناپسند می‌شمارد، و خداوند از ما خواسته که با دشمنانش دشمنی ورزیم و آنها را زشت و منفور بشماریم:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ﴾ المجادلة: ۲۲

(مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند، ولی کسانی را به دوستی بگیرند که با خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند، هر چند که آنان پدران، یا پسران، یا برادران، و یا قوم و قبیله ایشان باشند. چرا که مؤمنان، خدا بر دل‌هایشان رقم ایمان زده است، و با نفخه ربانی خود یاریشان داده است و تقویتشان کرده است).

و راجع به محبت و ارتباط آنها ما را چنین هشدار می‌دهد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُودَةِ﴾

المتحنة: ۱

(ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خویش را به دوستی نگیرید. شما نسبت بدیشان محبت می‌کنید و مودت می‌ورزید).

خداوند به ما دستور می‌دهد به ابراهیم و همراهانش تاجسی جسته و او را سرمشق و الگوی خود قرار دهیم:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ﴾ المتحنة: ۴

((رفتار و کردار) ابراهیم و کسانی که بدو گرویده بودند، الگوی خوبی برای شما است، بدانگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از چیزهایی که بغیر از خدا می‌پرستید، بیزار و گریزانیم، و شما را قبول نداریم و در حق شما بی‌اعتنائیم، و دشمنانگی و کینه‌توزی همیشگی میان ما و شما پدیدار آمده است، تا زمانی که به خدای یگانه ایمان می‌آورید و او را به یگانگی می‌پرستید).

لازم به ذکر است که این مسأله در قرآن و سنت بسیار واضح و آشکار می‌باشد.

اما حقیقتی که در سخنان آنها مشاهده می‌گردد این است که ما از این رو خواهان خیر و برکت برای ستمگران و کافران هستیم که آنها را به سوی ایمان دعوت می‌نماییم و خواهان مسلمان شدن آنها هستیم.

برادران و خواهران گرامی! شناخت خدا همراه با اسماء و صفاتش و توجهی شامل و گسترده به عبادت و پرستش او و دنبال کردن روشی که در کتاب خود نازل کرده و پیامبر ﷺ آن را تبیین نموده، تنها درمان شفای بیماریها و آلام بشریت است، و همچنین مایه‌ی طراوت روح و روان ما بوده و به درون ما گرمی و روشنایی می‌بخشد:

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا﴾ الشوری: ۵۲

(همان گونه که به پیغمبران پیشین وحی کرده‌ایم، به تو نیز به فرمان خود جان را وحی کرده‌ایم (که قرآن نام دارد و مایه حیات دلها است. پیش از وحی) تو که نمی‌دانستی کتاب چیست و ایمان کدام، ولیکن ما قرآن را نور عظیمی نموده‌ایم که در پرتو آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌بخشیم).

خداوند وحی خود را روح و نور نامیده است، زیرا وحی به روح و روان نور و روشنایی می‌بخشد و او را به زندگانی حقیقی پیوند می‌دهد، انسان بدون این روح همانند حیوانات دفتر زندگی را ورق می‌زند، همچون سایر حیوانات می‌خورد و می‌نوشد و عمل شنیع هم جنس بازی را پیشه می‌کند.

اما روحی که انسان را به قله‌های کمال می‌رساند و امتیازاتی ویژه را به او ارزانی می‌دارد همان روحی است که در هنگام ارتباط با وحی الهی جان و روان او را دربر می‌گیرد.

کسانی که دارای این روح نیستند در واقع مرده و بی‌جان می‌باشند هر چند که در عالم زندگان وجود فیزیکی خود را اعلام بدارند. خداوند می‌فرماید:

﴿أَوَمَن كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ﴾ الأنعام: ۱۲۲

(آیا کسی که (به سبب کفر و ضلال همچون) مرده‌ای بوده است و ما او را (با اعطاء ایمان در پرتو قرآن) زنده کرده‌ایم)

کافران و گمراهان مرده و بی‌جان می‌باشند، و لذا خداوند به وسیله‌ی وحی و کتاب خود به او جان می‌دهد و او را زنده می‌گرداند؛ و کسی که خود را برای این دین خالص نگرداند دارای قلب و درونی بیمار است:

﴿ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا ﴾ البقرة: ۱۰

(در دل‌هایشان بیماری (حسودی و کینه‌توزی با مؤمنان) است و خداوند (نیز با یاری دادن و پیروز گرداندن حق) بیماری ایشان را فزونی می‌بخشد) تنها راه نجات از بیماری روح و روان دنبال کردن این دین آسمانی است، لازم به یادآوری است که پیام‌های افرادی سرگردان و گم‌گشته‌ای همچون: انگلس، مارکس، سارتر، میشل عفلق و... هیچ‌گونه نیرو و طراوتی به روح و روان انسان نمی‌بخشند. وحی خداوند نوری است که پرده تاریکی‌های جهل و کفر را پاره می‌کند:

﴿ أَوْ مَن كَانَ مِئتًا فَآحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ ﴾ الأنعام: ۱۲۲

(آیا کسی که (به سبب کفر و ضلال همچون) مرده‌ای بوده است و ما او را (با اعطاء ایمان در پرتو قرآن) زنده کرده‌ایم و نوری (از مناره ایمان) فرا راه او داشته‌ایم که در پرتو آن، میان مردمان راه می‌رود (و چشم او را روشنایی، گوش او را شنوایی، زبان او را توان گفتار، و دست و پای او را قدرت انجام کار می‌بخشد).

﴿ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِّنْ عِبَادِنَا ﴾ الشوری: ۵۲

(ولیکن ما قرآن را نور عظیمی نموده‌ایم که در پرتو آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می‌بخشیم).

خداوند برای نور هدایتی که از کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ گرفته شده و در قلب انسان مؤمن می‌درخشد، مثال بسیار زیبایی ذکر کرده و می‌فرماید:

﴿ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴾ النور: ۳۵

(خدا روشنگر آسمانها و زمین است (و او است که جهان را با نور فیزیکی ستارگان تابان، و با نور معنوی وحی و هدایت و معرفت درخشان، و با شواهد و آثار موجود در مخلوقات فروزان کرده است). نور خدا، به چلچراغی می ماند که در آن چراغی باشد و آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حباب درخشانی که انگار ستاره فروزان است، و این چراغ (با روغنی) افروخته شود (که) از درخت پربرتک زیتونی (به دست آید) که نه شرقی و نه غربی است (بلکه تک درختی است در سرزمین باز و بلندی که از هر سو آفتاب بدان می تابد. به گونه ای روغنش پالوده و خالص است) انگار روغن آن بدون تماس با آتش دارد شعله ور می شود. نوری است بر فراز نوری! (نور چلچراغ و نور حباب و نور روغن زیتون، همه جا را نورباران کرده اند. به همین منوال هم نور تشریعی وحی و نور تکوینی هدایت و نور عقلانی معرفت پرده های شک و شبهه را از جلو دیدگان همگان به کنار زده، و جمال ایزد ذوالجلال را بر در و دیوار وجود به تجلی انداخته اند. اما این چشم بینا و دل آگاه است که می تواند ببیند و دریابد). خدا هر که را بخواهد به نور خود رهنمود می کند (و شمعک نور خرد را به چلچراغ نور آخذ می رساند و سراپا فروزانش می گرداند). خداوند برای مردمان مثلها می زند (تا معقول را در قالب محسوس بنمایاند و دور از دایره دریافت خرد را - تا آنجا که ممکن است، با کمک وحی و در پرتو دانش - به خرد نزدیک نماید) و خداوند آگاه از هر چیزی است (و می داند چگونه مخلوق را با معبود آشنا گرداند)).

این مثالی است که خداوند برای نور خود در قلب انسان مؤمن ذکر کرده، خداوند این نور را به چراغ، و قلب انسان مؤمن را نیز به حباب تشبیه نموده است، و شریعتی که قلب انسان نور خود را از آن می جوید به روغن صاف و پاکیزه و معتدلی تشبیه نموده که پالوده و خالص است؛ پس بدون شک نور و روشنایی که این گونه بنیان شده باشد نوری درخشان و تابنده می باشد (نوری است بر فراز نوری!) اما تنها کسانی می توانند به این نور دست یابند که خداوند آنها را انتخاب نموده است:

﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾^۱

برای اینکه به این نور ربانی و ایمانی دست یابیم لازم است خدای یگانه را به عنوان یارو یاور خود برگزینیم و از ایدئولوژیهای گمراه و کافرانهای کمونیستی، سرمایه‌داری و ملی‌گرایی سرباززنیم و روی برتابیم و به منهج و آیین پروردگاران روی آوریم، در غیر این صورت تمامی مذاهب و برنامه‌های بشری، انسان را از یک تاریکی و گمراهی به تاریکی دیگری گرفتار می‌سازند:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۲ البقرة: ۲۵۷

(خداوند متولی و عهده‌دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (اما) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و ضلال) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکیهای (زمخت کفر و فساد) می‌کشاند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند).

برادران و خواهران گرامی! کسانی که امروز در پرتو نور اسلام زندگی می‌کنند دارای نفس و روانی پر از عزت و چشم و بینشی روشن و تابناک هستند، آنها حقیقت و هدایت را یافته‌اند و با اصول و ایدئولوژیهای باطل و گمراه کننده به جنگ و ستیز پرداخته‌اند؛ آنها در عالم برزخ و دنیای آخرت نیز با همان نور و روشنایی مسیر حرکت خود را ادامه می‌دهند، اما کسانی که از این نور محروم مانده‌اند و دنیا را همراه با ظلمات و تاریکیهای عقاید و افکار و اندیشه‌هایی سپری می‌کنند که فکر منحرف انسانی آن را ابداع نموده است، در آینده با یک زندگانی سخت و پر مشقت مواجه می‌شوند و در حالی اعلام پشیمانی می‌کنند که پشیمانی

۱- به تفسیر این کثیر در خصوص این آیه مراجعه شود.

سودی ندارد. خداوند سبحان حال و وضع هر کدام از این دو دسته در سرای آخرت را برای ما چنین تصویر می‌کشد:

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَانِكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾ ينادونهم ألم نكن معكم قالوا بلى ولكنكم فتنتم أنفسكم وتربصتم وازتبتم وعررتكم الأماني حتى جاء أمر الله وعرتكم بالله الغرور ﴿١٤﴾ فاليوم لا يؤخذ منكم فدية ولا من الذين كفروا ماؤنكم النار هي مولاكم بالغرور وبئس المصير ﴿١٥﴾ ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق ولا يكونوا كالذين أوتوا الكتاب من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم وكثير منهم فسيقون ﴿١٦﴾ أعلموا أن الله يهي الأرض بعد موتها قد بينا لكم الآيات لعلكم تعقلون ﴿الحديد: ١٢-١٧﴾

(روزی مردان مؤمن و زنان مؤمن را خواهی دید که (به سوی بهشت حرکت می‌کنند و) نور (ایمان و اعمال خوب) ایشان، پیشاپیش آنان و در سمت راستشان در تالاب و درخشش است (و فرشتگان بدیشان مبارکبادی می‌گویند و می‌فرمایند): مژده باد! که امروز به بهشتی درمی‌آئید که در زیر (کاخها و درختان) آن، رودبارها جاری است و جاودانه در آنجا بسر می‌برید و می‌مانید. پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ، این است (خوش باشید). روزی مردان منافق و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: (با شتاب به سوی بهشت حرکت نکنید و) منتظرمان بمانید تا از نور شما فروغ و پرتوی (به ما بتابد و از آن) استفاده کنیم! بدیشان گفته می‌شود: به عقب برگردید (و مجدداً به دنیا بروید) و نوری به دست بیاورید! در این حال ناگهان دیواری میان آنان زده می‌شود که دری دارد. داخل آن (که به طرف مؤمنان است) رو به رحمت است (که بهشت و نعمت سرمدی است) و خارج آن (که به طرف

منافقان است) رو به عذاب است (که دوزخ و نعمت ابدی است). منافقان، مؤمنان را فریاد می‌دارند، مگر ما (در دنیا) با شما نبودیم؟ می‌گویند: بلی! ولیکن (با نفاق) خویشتن را گرفتار بلا کردید، و چشم به راه (مرگ پیغمبر، و نابودی مسلمانان، و برچیده شدن اسلام) ماندید و (درباره حقانیت دعوت پیغمبر و قرآن و وجود معاد و رستاخیز) شک و تردید ورزیدید، و آرزوها و پندارها شما را گول زد، تا این که فرمان خدا (دائر بر مرگتان) در رسید و اهریمن (بدکاره و نفس اماره) فریبکار، شما را درباره خدا فریب داد. پس امروز، هم از شما، و هم از کافران، عوضی و غرامتی پذیرفته نمی‌شود. جایگاه شماها آتش دوزخ است. دوزخ سرپرستان است (و پناهگاهی جز آن ندارید) و چه بد سرنوشتی و چه بد جایگاهی است! آیا وقت آن برای مؤمنان فرا نرسیده است که دل‌هایشان به هنگام یاد خدا، و در برابر حق و حقیقتی که خدا فرو فرستاده است، بلرزد و کرنش برد؟ و آنان همچون کسانی نشوند که برای آنان قبلاً کتاب فرستاده شده است و سپس زمان طولانی بر آنان سپری گشته است، و دل‌هایشان سخت شده است، و بیشترشان فاسق و خارج (از حدود دین خدا) گشته‌اند. بدانید که خداوند زمین مرده را زنده می‌کند. ما آیه‌ها را برای شما (با ذکر مثالها) روشن می‌گردانیم و بیان می‌داریم، تا این که شما (مطالب و مقاصد آنها را) فهم کنید).

در پایان از خدا می‌خواهم شما را توفیق دهد، گام‌های استواری را به شما عطا فرماید، پاداشی نیک و کامل را به شما ارزانی بخشد، شما را وسیله‌ی باز کردن درهای خیر و بستن درهای شر قرار دهد و به وسیله‌ی شما همه‌ی بندگان و شهرهای این مرز و بوم مشمول خیر و برکت واقع شوند و به شما حضار محترم اجر و پاداش عطا فرماید.

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾ الصافات: ۱۸۰ - ۱۸۲

(پاک و منزّه است خداوندگار تو از توصیف‌هایی که (مشرکان درباره خدا به هم می‌بافند و سر هم) می‌کنند، خداوندگار عزّت و قدرت. درود بر پیغمبران! ستایش، یزدان را سزا است که خداوندگار جهانیان است).